

بیانیه دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

در اول ماه مه ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰



قرن هاست که ستیزه‌های دائمی و پیکاری بی‌وقفه، گاه نهان و گاه آشکار، برای انسانی تر کردن شرایط زیست خیل عظیمی از انسان ها، همواره در رگ و پی هر جامعه‌ای در جریان است و در این بین، مبارزات کارگران و پیشروان آنها در حدودا دو قرن اخیر، سرآمد همه این نبردها و مبارزات بوده است و «اول ماه مه» روز جهانی کارگران و زحمتکشان، هم نماد گرامی داشت این مبارزات، پیروزی ها و اتحاد طبقاتی کارگران در اقصی نقاط جهان بوده است و هم، جزئی لاینفک از دستور کار مبارزات کارگران در جای جای کره خاک، تا به سرمایه داری یادآور شوند، که وحدت طبقاتی کارگران جهان در پیش است و با به هم پیوستن این مبارزات، جهانی بدون سرمایه و عاری از فقر و زشتی های آن، جهانی بدون طبقات و نابرابری و جهانی انسانی فرامی رسد.

امروز نیز ما در ایران بر گره گاهی دیگر، از تاریخ مبارزه علیه توحش سرمایه‌داری ایستاده‌ایم. اکنون، جدال اصیل و تاریخی چپ و راست، به گونه‌ای آشکار تجلی پیدا کرده است. نقطه‌ای که در آن، بحران ساختاری نظام سرمایه، به فجایع و جنایات غریبی منتهی شده است و سرمایه داری در خود پیچیده برای بقاء خود به هر وسیله ای متوسل می شود و تمام آن را بر شانه های نحیف کارگران و زحمتکشان انداخته است.

تبعات بحران عمیق اقتصادی و سیاسی که رژیم سرمایه داری ایران با آن دست و پنجه نرم می کند خود را در خیل عظیمی از بیکار سازیهای گسترده و ناامنی معیشتی که میلیونها انسان را به سوی فقر مطلق سوق داده و در پی آن تشدید بی حقوقی کارگران و زحمتکشان که آنان را به کام مرگ خواهد فرستاد آشکار می کند، شرایطی که کارگران را بیش از دیگر اقشار تحت ستم در منگنه قرار داده است. کارفرمایان و دولت سرمایه دست در دست یکدیگر توده های کارگران و تهی دستان را هر چه بیشتر استثمار می کنند و در این مسیر ابایی از هیچ تعرض و

توحشی ندارند: عدم پرداخت دستمزدهای معوقه چندین ماهه، تعیین دستمزدهایی که کارگران را در کام گرسنگی نگه خواهد داشت، فقدان هر گونه آزادی تشکل، حق اعتصاب، اعتراض و تجمع، سرکوب فزاینده فعالین و پیشروان کارگری و... تنها نمودهایی از وضعیت فلاکت بار طبقه کارگر ایران است.

نظام پوسیده سرمایه داری اسلامی اکنون هم از درون و هم از بیرون به چالش سختی کشیده شده است که عبور از این مرحله را برایش چندان دشوار نمی نماید؛ انشقاق از درون و مواجهه با جنبشی توده ای و رادیکال در بیرون. از دیگر سو لیبرالیسم دون مایه‌ی نو، که چندی خویش را از زیر ردای پوسیده و بد نام اصلاح‌طلبی رهانیده بود و ملبس به لباس فاخر آمریکایی گشته بود، درست در هنگامه شکل یابی مبارزات آزادی خواهانه و خیزشی که علیه نابرابری ها، ستم های دیرینه و برای احقاق حداقلی ترین حقوق انسانی به وقوع پیوسته بود، دوباره جامه اصلاح طلبی بر تن نموده و همه جناح های بورژوازی منحنط به اصطلاح اپوزسیون، برای باز پیوستن به پوزسیون همت مضاعف خود را به کار بسته اند؛ اصلاح طلبان سابقا حکومتی، جمهوری خواهان، سوسیال دموکرات های پادوی بورژوازی و نیز لیبرال محافظه کاران آمریکایی، همه و همه دست در دست هم، تمام تلاش خود را معطوف به طرح خواست های انحرافی، شعارهای غیر مرتبط با خواست مردم و ضرورت های جنبش و نیز تقویت گرایشی به سمت سازش و مصالحه نمودند تا خدشه ای در مترقی بودن مبارزه رادیکال مردم علیه نابرابری و دیکتاتوری سرمایه ایجاد نمایند.

نیروهای راست با تمام اعوان و انصار و رسانه های قدرتمندشان می کوشند که سخنی از کارگران و پا به عرصه نهادن آنان و اعتراضات هر روزه آنان به میان نیاورند، یا ورژن های دلخواهی از این جنبش انکار ناپذیر و استراتژیک ارائه دهند که با منافع آنان هم گرایشی داشته باشد و یا به طرق مختلف از طریق تقویت گرایشات راست و رفرمیستی و جریانات انحرافی که به ویژه از منابع مالی معینی تغذیه می شوند انحرافات را در جنبش پیشرو کارگران ایجاد نمایند، و این حاکی از این واقعیت است که در واقع، آنان می خواهند به این جنبش در جهت منافع کلیت بورژوازی حقیر و منحنط ایرانی جهت بدهند.

این هر دو، به مثابه دو روی سکه بربریت واحد نظام سرمایه داری اسلامی تنها در تقارن با پراکسیس انقلابی برای ما فهم می‌شود. ما معتقدیم که دیکتاتوری، واقعیت زائیده کلیت بورژوازی فریبکار و منحنطی است که تنها با دیکتاتوری سرمایه می تواند سودآوری و تامین منافع اش را تضمین نماید و امر پیشبرد پروژه دموکراتیزاسیون در جامعه تنها در گرو پویایی مبارزه طبقاتی است.

بارها بر این نکته تاکید شده است که آزادی های دموکراتیک را تنها باید با مبارزه طبقاتی و متشکل به سرمایه‌داری ایران تحمیل نمود و آزادی های دموکراتیک تنها تا به آنجا پایدار است که طبقه کارگر به نیروی خود بتواند بر استثمار وحشیانه و سودآوری سرمایه محدودیت جدی ایجاد کند و به سمت نابودی کامل آن حرکت نماید. در چنین شرایطی جامعه به جای سازش، به سمت قطب بندی واقعی بین نیروهای اجتماعی حرکت می کند و تنش بین طبقه کارگر و بورژوازی بالا می گیرد و چشم انداز تغییر اجتماعی در مقیاس کلان در جامعه محسوس می

گردد.

در شرایطی که راست وحشی در پوزسیون، سهم دیگر جناح های بورژوازی را پرداخت نمی کند، بیرون از چارچوب قدرت رسمی، جناح های جا مانده به ناچار علم دموکراسی خواهی را بر افراشته اند تا به پشتوانه بدنه یک جنبش آزادی خواهانه فراگیر، خواست های میلیون ها انسان را وجه المصالحه بازگشت خود به قدرت قرار دهد.

از روز نیز روشن تر است که هیچ جناحی از پیکره هیولای بورژوازی، در اندیشه ی بهبود و ترقی اوضاع دل خراش زحمت کشان و کارگران نبوده و نخواهد بود و از این روست، که مبارزه برای رهایی و نفی سرمایه داری و دیکتاتوری زاینده آن، امر خود کارگران و زحمت کشان جامعه است تا دست در دست دیگر نیروهای مترقی و جنبش های ترقی خواهانه و دموکراتیک چون جنبش زنان، دانشجویان، معلمان و... بی آن که لحظه ای در پوچ بودن وعده های بخش های مختلف بورژوازی با هر رنگ و لعاب یا شکل و نامی تردید کنند، علیه تمام اشکال ستم و تبعیض و نابرابری در تمام سطوح بستیزند و تا پیروزی نهایی حتی لحظه ای درنگ نکنند.

کارگران ایران با طرح مجموعه ای از خواست ها و مطالبات خود در سال گذشته، قدمی بزرگ به جلو نهادند و بدون شک طرح این خواسته ها و در شرایط جدیدی که پیش روی همه ماست و تاکید بر بند بند این مطالبات در هر شکلی از اعتراض، چه در خیابان ها، چه در مراکز تولیدی و صنعتی و کارخانجات، در اعتصابات، در دانشگاه ها، محلات و... بخش مهمی از مبارزات پیشرو زحمت کشان، کارگران و تمام کسانی است که به ضرورت مبارزه برای زندگی انسانی تری باور دارند.

آن چه که در شرایط کنونی حائز اهمیت حیاتی است این است که سوسیالیست ها و پیشروان کارگری باید ضرورتا راه های مبارزه بر علیه وضع موجود و مقابله با یورش سرمایه و سوق دادن شرایط سیاسی جاری به جلو را نشان کرده و در مرکز توجه خود و دیگر فعالین و توده های به جان آمده از سرکوب و نابرابری قرار دهند. مبارزه طبقاتی منسجم و متکی بر صفوف نیرومند کارگران را می توان به صف آرائی علیه یورش همه جانبه سرمایه داری تبدیل کرد. بدون شک اعتراضات پراکنده و ناهماهنگ را باید در شکلی متحد سامان داد و با ایجاد حلقه های ارتباطی مابین فعالین و پیشروان کارگری پیروزی کارگران را در محقق کردن خواست و مطالبات روزمره آنان تضمین نمود. مقابله با خیل عظیم بیکار سازی ها را تنها با یکپارچگی و اتحاد طبقاتی کارگران می توان جواب داد. افزایش دستمزدها و بهبود شرایط معیشتی کارگران تنها از طریق تعرض متشکل کارگران علیه سرمایه داران امکان پذیر خواهد بود. از این رو نقش خطیر فعالین و پیشروان سوسیالیست جنبش کارگری در پیشبرد مبارزات کارگری در شرایط حساس کنونی را باید در امر حضور عینی آنان در مبارزه هر روز کارگران برجسته نمود.

طرح خواست و مطالباتی که می توان وسیع ترین توده های کارگران را حول آن متشکل و سازمان داد باید امر عاجل و سراسری فعالین کارگری قرار بگیرد و با تلاش های عملی در جهت تشکل یابی کارگران گام بعدی در

دور نوین از مبارزات طبقاتی را به پیش برده شود. از آنجا که فقدان تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران فرصت یورش سرمایه دارها و دولت حامی آنان را در برهه های مختلف فراهم نموده است، تا هر اعتراض و خواست و مطالبه کارگران را با سرکوب وحشیانه جواب دهند، مبارزه برای تشکل یابی طبقه کارگر گام اول پیشروی کارگران و توده های ستمکش و جنبش های رادیکال خواهد بود. بنابراین آزادیهای سیاسی و احقاق پایه ای ترین خواست ها و نیازهای انسانی را تنها می توان در پرتو متشکل کردن کارگران بر نظام سرمایه داری تحمیل نمود و زمینه های عینی پیشروی آتی جنبش آزادی خواهانه و رادیکال ایران را تضمین و تامین نمود.

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روزی است که کارگران ایران هم پیمان با کارگران دیگر کشورها، ضمن طرح جزء به جزء خواسته های خود و همه زحمتکشان و بدبختی ترین حقوق معیشتی، اجتماعی و سیاسی خود و دیگر هم طبقه ای ها و متحدین استراتژیک شان، مسیر درست مبارزه علیه دیکتاتوری سرمایه داری و دولت حامی آن، تمام اشکال ستم و استثمار، نابرابری و فقدان آزادی های انسانی را یادآور می شوند:

از لغو قرارداد های موقت و سفید امضا و فرم های قرارداد کار، تعیین حداقل دستمزد متناسب با رفاه و آسایش انسانی، پرداخت حقوق معوق کارگران و خسارات آنان، رفع بی حقوقی دهشتناک کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان، تغییر قانون کار، توقف اخراج ها و بیکارسازی ها، تا حق ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران، حق اجتماع، اعتراض و اعتصاب، تعطیلی رسمی اول ماه مه، تا تاکید بر برابری زن و مرد در تمام عرصه ها و رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، به ویژه وضعیت زنان کارگر، دستمزدهای برابر در ازای کار برابر، تشکل های مستقل زنان کارگر، وضعیت زنان سرپرست خانوار، کار در خانه، بردگی خانگی، لغو کار کودکان، و مجموعه آزادی های سیاسی، اجتماعی، حمایت از مبارزات پیشرو جنبش های دانشجویی، زنان، معلمان و... خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، محکومیت شکنجه، لغو مجازات اعدام و تاکید بر هم بستگی بین المللی میان کارگران در همه کشورها بر مبنای منافع واحد طبقه کارگر جهانی و... همه و همه خواسته های برحق کارگرانی است که با مبارزاتشان تاریخا و ضرورتا پرچمداران به ارمغان آوردن جهانی زیباتر و انسانی تر برای همگان بوده و هستند.

دانشجویان سوسیالیست به خوبی می دانند که تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران به مثابه هم استراتژی و هم تاکتیک یگانه ابزاری هستند که در مسیر مبارزه طبقاتی و نیل به اهداف و خواسته های فوق الذکر کارگران را یاری می رسانند و همواره در بیانیه ها و مباحثات بر این مهم تاکید کرده اند و در آستانه اول ماه مه نیز بار دیگر اعلام می کنند که آماده هر گونه تلاش و کمکی در راستای ایجاد این تشکل ها می باشند و مصرانه پیوند استراتژیک دانشجویان با کارگران را پیگیری می نمایند.

هم چنین ما در تقابل با گرایشات راست و رفرمیست، اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر را مناسب ترین روز در تقویم می دانیم که انسان های آزادی خواه و خواستار برابری و زندگی انسانی می توانند در آن هم بستگی خود را به رخ ارتجاع سرمایه دارانه بکشند، خواسته ها و مطالبات خود را فریاد بکشند و مسیر صحیح مبارزه را بر

ملا نمایند. روزی که از آن هیچ جناح و دسته ای از باند سرمایه داران، رفرمیست ها و دشمنان طبقاتی کارگران نیست و هرگز نمی توانند سایه خود را بر سنت، تاریخ و چشم انداز چنین روزی بیفکنند.

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد هم بستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان جهان!

زنده باد مبارزات آزادی خواهانه به رهبری طبقه کارگر!

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

اردیبهشت ۱۳۸۹

آوریل ۲۰۱۰

www.socialist-students.com

<http://www.socialist-students.blogfa.com>